

یادداشت

زمین زیر پای البرز در حال فرو رفتن است



ملیحه مقصودی

دکترای شهرسازی

استان البرز، به عنوان یکی از استان‌های مهم و پرجمعیت در غرب تهران و منطقه کلان‌شهری پایتخت، این روزها درگیر یکی از پیچیده‌ترین مضلات زیست‌محیطی و زیرساختی کشور شده است؛ پدیده‌ای که به نام «فرونسشت زمین» شناخته می‌شود. این پدیده، که ناشی از کاهش ارتفاع سطح زمین بر اثر عوامل مختلف طبیعی و انسانی است، به‌سرعت در این منطقه گسترش یافته و نگرانی‌های جدی درباره ایمنی زیرساخت‌های حیاتی و زندگی روزمره مردم ایجاد کرده است. فرونشست زمین زمانی رخ می‌دهد که سفره‌های آب زیرزمینی به طور غیرقابل بازگشتی کاهش می‌یابد و زمین روی آنها نشست می‌کند. این وضعیت معمولا به دنبال برداشت بی‌رویه و خارج از کنترل منابع آب زیرزمینی، به‌ویژه در مناطق شهری و صنعتی، اتفاق می‌افتد. در استان البرز، برداشت گسترده از این منابع برای تأمین نیازهای کشاورزی، صنعتی و شهری، به‌شدت سفره‌های آب را تخلیه کرده و باعث بروز فرونشست شده است. هرچند ممکن است این پدیده در نگاه اول فقط به عنوان یک تغییر فیزیکی در زمین دیده شود، اما پیامدهای آن بسیار فراتر و عمیق‌تر است. یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات ناشی از فرونشست، آسیب به زیرساخت‌های حیاتی استان است؛ خطوط انتقال گاز و آب، اتوبان‌ها، راه‌آهن و سایر شبکه‌های حمل‌ونقل و خدمات عمومی که محورهای اصلی زندگی و اقتصاد در البرز هستند. ترک‌ها و نشست‌های زمین، موجب آسیب‌دیدگی این شبکه‌ها می‌شود و در نتیجه، علاوه بر هزینه‌های سنگین تعمیر و بازسازی، قطع موقت یا دائمی خدمات حیاتی را به دنبال دارد که امنیت و رفاه میلیون‌ها نفر را به خطر می‌اندازد. علاوه بر تهدیدات زیرساختی، فرونشست می‌تواند به طور مستقیم زندگی مردم را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ از بروز ترک‌ها در ساختمان‌ها و مسکن‌های شهری گرفته تا افزایش ریسک حوادث ناگهانی مانند رانش زمین. ایـن وضعیت، به‌ویژه برای مناطقی که جمعیت زیادی در آن زندگی می‌کنند، هشدار جدی برای مسئولان و جامعه است. عوامل متعددی در تشدید فرونشست البرز نقش دارند، اما برداشت بی‌رویه و غیرقانونی آب زیرزمینی بدون شک عامل اصلی است. این موضوع ناشی از مدیریت ناکارآمد منابع آب، رشد سریع جمعیت و توسعه نامتناسب شهری و صنعتی است که فشار زیادی بر منابع طبیعی وارد می‌کند. به بیان دیگر، پدیده فرونشست، نشانگر ناتوانی سیستم مدیریت منابع طبیعی در انطباق با نیازهای روزافزون استان است. برای مقابله با این بحران، لازم است رویکردی جامع و علمی اتخاذ شود. نخستین گام، اصلاح و بهینه‌سازی مصرف آب در تمامی بخش‌هاست؛ استفاده از فناوری‌های نوین برای کاهش هدررفت، اصلاح روش‌های کشاورزی و ارتقای بهره‌وری در صنایع می‌تواند نقش حیاتی ایفا کند. همچنین، نظارت دقیق‌تر بر برداشت‌ها و برخورد قاطع با موارد غیرمجاز باید در دستور کار قرار گیرد. بدون کنترل جدی این عامل، هیچ اقدامی برای مهار فرونشست مؤثر نخواهد بود. علاوه بر مدیریت منابع آب، بازنگری در نحوه توسعه شهری و صنعتی البرز ضروری است. توسعه پایدار که در آن تلاش‌ها فقط در زمینه‌های مصرف آب در تمامی بخش‌هاست؛ لحاظ شود، می‌تواند از گسترش آسیب‌های فرونشست جلوگیری کند. همچنین، افزایش فضای سبز و تقویت پوشش گیاهی، علاوه بر نقش‌های زیست‌محیطی، می‌تواند در تثبیت خاک و کاهش خطر فرونشست مؤثر باشد. نکته‌ای که نباید فراموش شود، نقش مشارکت و آگاهی عمومی است. هرچه مردم از وضعیت بحران آگاه‌تر باشند و در محافظت از منابع طبیعی سهم فعال‌تری ایفا کنند، امکان پیشگیری و کنترل این معضل افزایش می‌یابد. آموزش، اطلاع‌رسانی و تشویق به رفتارهای پایدار در مصرف آب و حفظ محیط زیست باید جزء برنامه‌های کلان استان باشد. فرونشست در البرز، پدیده‌ای نیست که بتوان آن را نادیده گرفت یا به آینده موکول کرد. این بحران، زنگ خطری است که هر روز بلندتر و واضح‌تر به گوش می‌رسد؛ هشدار به مدیران، برنامه‌ریزان و همه ما که در قبال زمین و منابع طبیعی مسئولیم. اگر امروز فکری نشود، فردا هزینه‌ای پرداخت می‌کنیم که نتوانیم آن را جبران کنیم. و انسانی و اجتماعی است. فرونشست، نقطه‌فرو رفتن زمین، که فرورفتن فرصت‌ها و آینده‌ای است که هنوز می‌توان آن را نجات داد. آینده‌ای که هر لحظه در انتظار تصمیم‌هایی جدی و عمل‌هایی عمیق است.

خبر

با کارهای نمادین، آلودگی تهران درمان نمی‌شود

اعضای شورای شهر تهران نسبت به تداوم آلودگی هوا و اجرانشدن مصوبات مدیریت شهری در حوزه حمل‌ونقل انتقاد کردند. جعفر تشکری هاشمی در جلسه شورای شهر تهران در تذکر پیش از دستور خود با اشاره به معضل آلودگی هوا که هرساله گریبان‌گیر شهروندان می‌شود، اظهار کرد: این پدیده هم قابل پیش‌بینی است و هم قابل رفع. اما سال‌هاست راه‌حل‌های اساسی اجرایی نشده است. رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران گفت: بسیاری از کلان‌شهرهای جهان مشکلات مشابه تهران داشته‌اند، اما با اتخاذ تدابیر عملی آن را برطرف کردند. او ادامه داد: تنها اقدام ما این است که در روزهای خف‌آلود، مدارس و دانشگاه‌ها را تعطیل و ادارات را دورکار کنیم؛ این روش در واقع فرار از مسئولیت است. تشکری هاشمی با اشاره به شرایط جغرافیایی تهران گفت: وجود رشته‌کوه البرز در شمال شهر، تهران را به یک شهر مشابه کاسه و محصور در کوه‌ها تبدیل کرده و این وضعیت، پدیده وارونگی دما را تشدید می‌کند و با اینکه بخشی از مشکل به اقلیم تهران مربوط است، اما آلودگی هوا محصول فعالیت‌های ماسست و دقیقا می‌دانیم چگونه باید آن را کنترل کنیم.تشکری هاشمی با بیان اینکه بر اساس مطالعات انجام‌شده، آلاینده غالب پایتخت ذرات کمتر از ۲.۵ میکرون هستند، گفت: حدود ۶۸ درصد آلاینده‌ها از منابع متحرک به‌ویژه خودروها و موتورسیکلت‌ها منتشر می‌شود و سال‌هاست اعلام می‌کنیم هر موتور بنزینی به اندازه شش خودرو آلودگی تولید می‌کند؛ با این حال با وجود مصوبه برقی‌سازی موتورها هنوز حتی یک دستگاه هم به مردم تحویل نشده است.رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران با تأکید بر لزوم کنارگذاشتن اقدامات نمادین، گفت: اگر قرار است تهران نفس بکشد و آمار مرگ‌ومیر، هزینه‌های اقتصادی و آسیب‌های سلامت کاهش یابد، شهرداری و شورا تکالیف مشخصی دارند. قیمت هر موتورسیکلت برقی هزار دلار است، چرا برای این موضوع اهتمام لازم وجود ندارد؟ مگر ما بودجه مصوب نکرده‌ایم؟ او درباره برخورد با خودروهای فاقد معاینه فنی نیز گفت: اقدامات انجام‌شده بیشتر نمایشی بوده و هنوز استفاده از سامانه‌های هوشمند به طور کامل اجرا نشده است.تشکری هاشمی با اشاره به ادامه فعالیت مراکز آلاینده همچون کارخانه سیمان، افزود: با باید از حل مشکل صرف‌نظر کنیم یا برای درد مردم و شهر دچار باشیم چه کسی غیر از ما باید این کار را انجام دهد؟ طبق قانون هوای پاک، ۲۳ نهاد مسئولیت دارند، اما بیش از ۸۰ درصد اثرگذاری اولیه بر عهده شهرداری تهران، پلیس و وزارت صمت است. او افزود: اگر این سه نهاد نتوانند وظایفشان را انجام دهند، چه انتظاری از مردم داریم که خودروهایشان را بیرون نیاورند یا طرح‌ها را از درب منازل آغاز کنند؟ مگر می‌توان با این روش مشکل شهر را حل کرد؟

شرق: زنان در شهر تهران هر روز با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و هنجارهای مردانه روبه‌رو هستند؛ از انتخاب مسیر و لباس تا حضور در فضاهای عمومی و ورزشی. تجربه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که این محدودیت‌ها نه‌تنها امنیت و راحتی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه کنشگری و حضور فعال آنان در شهر را نیز شکل می‌دهند. بااین‌حال به گفته کارشناسان ایجاد «فضای سوم»، فرصتی برای زنان فراهم می‌کند تا از طریق حضور روزمره، فعالیت‌های اجتماعی و بازنمایی‌های خلاقانه، معنا و قدرت خود را در شهر بازتعریف کنند.

در نشست زنان و شهر؛ از حضور تا تأثیر در طرح‌ها و پروژه‌های شهری که توسط گروه ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد، زهرا نژادبهرام، عضو سابق شورای شهر تهران و مدرس دانشگاه با یادآوری تجربیات دوره پنجم شورای شهر تهران و معماری شورای شهر تهران نمایندگی مردم تهران در شورای شهر، عضو هیئت‌رئیس بوده؛ جایگاهی که تا مدت‌ها تماما مردانه بود. به گفته او، حضور او و سپس حضور یک زن دیگر در دوره جدید شورا در هیئت‌رئیس، اتفاقی بی‌سابقه و نقطه عطفی در مشارکت مدیریتی زنان به شمار می‌رفت. نژادبهرام افزود که برای نخستین‌بار یک زن به عضویت کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران درآمده و خود او نیز مسئولیت کمیته شهرسازی را بر عهده داشته است.

او پیش از ورود به بحث تجربی، به عقب برمی‌گردد؛ زمانی که تقسیم‌کار نانوشته‌ای میان زنان و مردان، چارچوب عمومی زندگی شهری را شکل داده بود. در دوره‌ای که شهرها معنا می‌یافتند و هویت شهری در حال شکل‌گیری بود، این مردان بودند که در کارخانه‌ها، ادارات، حوزه حمل‌ونقل و فعالیت‌های بیرونی حضور داشتند و در نتیجه همان‌ها بودند که شهر را ساختند. زنان عمدتا در خانه بودند و کمتر امکان مشارکت در طراحی یا تجربه مستقیم فضای شهری را داشتند.

نژادبهرام تغییرات قرن بیستم را نقطه چرخش این الگو دانست؛ رشد فضاها، اجتماعی و اقتصادی، همراه با نیاز بازار، سبب شد زنان نه فقط به‌عنوان ساکنان شهر بلکه به‌عنوان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان روابط شهری وارد عرصه عمومی شوند؛ چه زن خانه‌دار و چه زن شاغل. حتی زنان خانه‌دار نیز برای آموزش فرزندان، تهیه مایحتاج و مدیریت امور خانواده ناگزیر از حضور فعال در فضای عمومی شدند. به‌گفته‌ها امروز با یک تحول جهانی در مفهوم شهروندی مواجهیم. شهروندی که قبلا حضور محدود داشت، اکنون در همه عرصه‌ها حضور دارد. او با طرح پرسشی ادامه داد: آیا حوزه عمومی ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای تازه این شهروندان را دارد؟ نژادبهرام ریشه مسئله را در تاریخ شهرسازی می‌بیند؛ اینکه شهر به‌عنوان پدیده‌ای مدرن، از ابتدا براساس نیازهای مردان بالغ و سالم طراحی شده است. او تأکید کرد: شهر ما برای مردان بالغ سالم ساخته شده؛ نه برای سالمندان، نه برای کودک، نه برای مردان دارای معلولیت و نه حتی برای زنان. این نگاه در ساختار اداری، مدیریتی و حتی طراحی فضاهای شهری نیز بازتولید شده است. او با اشاره به مثال‌های عینی گفت: وقتی در طراحی پل عابر ۵۰ پله می‌گذاریم، باید فکر کنیم زنی که کودک بغل دارد یا خرید سنگین می‌کند، چگونه از این پله‌ها بالا برود؟ زن باردار چگونه از چنین مسیری عبور کند؟ به باور او این نوع طراحی‌ها نه از سر قصد، بلکه از سر ناآگاهی نسبت به تجربه زیسته زنان در شهر شکل گرفته؛ ریز تصمیم‌گیرندگان اولیه، مردانی بودند که با نیازهای خود برنامه‌ریزی می‌کردند. نژادبهرام با اشاره به تجربه‌های عملی خود در مدیریت شهری توضیح داد که بسیاری از نیازهای زنان در ذهن برنامه‌ریزان دیده نمی‌شد. او گفت: بادم هست وقتی به تعداد زیاد پله‌های بل‌های عابر اعتراض می‌کردم و تأکید داشتم که باید آسانسور نصب شود، پاسخ‌هایی می‌شنیدم که منطقی نبود؛ می‌گفتند آسانسور هزینه‌بر است، نگهداری‌اش سخت است، خراب می‌شود یا حتی در آن ساکن می‌شوند؛ یعنی نوع مواجهه اصلا نسبت به نیازهای واقعی زنان آگاهانه نبود. او افزود که این نوع مقابله‌ها ناشی از آن بود که تصمیم‌گیرنده توسعه شهری بیشتر به مردان‌ها و هزینه‌ها شهر فکر می‌کرد و ناخواسته براساس تجربه فیزیکی مردانه خود برنامه‌ریزی می‌کرد؛ تجربه‌ای که تفاوت‌های جنسیتی را نادیده می‌گذاشت.

نژادبهرام توضیح داد که هنگام ورود او به شهرداری، سهم زنان در نیروی انسانی شهرداری کمتر از ۱۲ تا ۱۳ درصد بود و حضور مدیریتی آنان بسیار اندک. هدف‌گذاری این بود که سهم زنان به بالای ۲۰ درصد برسد، اما زمانی که او در سال ۱۴۰۰ شورا را ترک کرد، مشارکت مدیریتی زنان به حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد رسیده بود. او اشاره کرد: هرچند یکی، دو زن در جایگاه شهردار منطقه داشتیم، اما این روند هنوز نهاده‌نی نشده و به‌صورت روبه‌ای پایدار درنیامده است.

او تأکید کرد که رسیدن به این وضعیت مطلوب نیازمند ممارست و صبوری است و این مسئله فقط محدود به تهران یا ایران نیست؛ بلکه در شهرهای بزرگ جهان نیز مسئله حضور و اثرگذاری زنان در مدیریت شهری همچنان چالش‌برانگیز است. نژادبهرام با اشاره به آمارهای جهانی گفت: وقتی میزان مشارکت زنان در شوراها یا شهر در کشورها را نگاه می‌کردم، دیدم رقم سهم نیز ۳۰ درصد است. این یک مسئله جهانی است، نه صرفا مسئله ایران. در ادامه این نشست، سمیه مقیمی، پژوهشگر و برنامه‌ریز شهری، با اشاره به روند روبه‌رشد پروژه‌های مرتبط با زنان در مدیریت شهری گفت: پروژه‌هایی که با هدف بهبود کیفیت حضور زنان در فضاهای شهری اجرا می‌شوند، در سال‌های اخیر بسیار پررنگ شده‌اند و طرفداران زیادی پیدا کرده‌اند. پروژه‌های متعددی از جمله نظرسنجی‌ها و طرح‌های سنجش احساس امنیت زنان در شهر انجام شده که ارزشمند است و نشان می‌دهد مسئله زنان در شهر، به موضوعی مهم برای سیاست‌گذاران، مجریان، محققان و برنامه‌ریزان تبدیل شده است.

او ادامه داد: در بدنه شهرداری، موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در اسناد فردا،ست، تکلیف مشخصی برای پیگیری یک موضوع داشته باشیم و برای آن ردیف اعتباری و بودجه اختصاص یافته باشد. این پژوهشگر در ادامه به آمار جنسیتی شهرداری

گزارشی از نشست زنان و شهر؛ از حضور تا تأثیر در طرح‌ها و پروژه‌های شهری

زن، شهر و فضای سوم



عکس: وحید ساسانی/آرنا

اشاره کرد: هم‌اکنون ۷۹.۳۵ درصد کارکنان مرد و ۲۰.۶۵ درصد زن هستند. در شرایط ایده‌آل و با لحاظ نظام شایستگی، تخصصی ۲۰ درصد پست‌های مدیریتی به زنان مطلوب است. اما اکنون تنها ۱۴.۷ درصد پست‌های غیرانتصابی مدیریتی در اختیار زنان است؛ فاصله‌ای عجیب که نیازمند اصلاح است.

به گفته مقیمی ردیف‌های اعتباری مربوط به پروژه‌هایی که زیست زنان را در فضای شهری ارتقا می‌دهند، باید با دقت بررسی شوند. خوشبختانه بودجه مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران در سال ۱۴۰۴ بودجه‌ای قابل توجه و مطلوب است.

او در بخش دیگری از صحبت‌های خود به موضوع بودجه و نسبت آن با سیاست‌گذاری جنسیتی اشاره کرد و گفت: بودجه ۴۳۷ هزار میلیارد تومانی شهرداری در سال ۱۴۰۴ را اگر با بودجه سال ۱۴۰۰ که تنها ۲۳ هزار میلیارد تومان بود مقایسه کنیم، با افزایش چندصد درصدی در رقم ۱۱۵ هزار میلیارد تومان در حوزه عمرانی می‌رسیم. وقتی کل بودجه چنین رشد چشمگیری دارد، طبیعی است که بودجه مربوط به زنان نیز اندکی بیشتر شود. اما پرسش اصلی این است: آیا این افزایش بودجه، پاسخی مناسب به عدالت جنسیتی بوده؟ و آیا این پروژه‌ها واقعا تحولی در زندگی زنان ایجاد کرده است؟

مقیمی افزود: به نظر من حتی لازم نیست کارهای عجیب و بزرگ انجام دهیم. یک نمونه‌ی ساده را بگویم: زمانی که موظف شدیم احکام برنامه را تدوین کنیم، گفتند یکی، دو حکم مربوط به زنان بنویسیم. ساده‌ترین حکم ما این بود که ساعات کاری مراکز تفریحی و ورزشی زیر نظر شهرداری افزایش پیدا کند تا زنانی که ساعت ۱۷:۳۰ از اداره خارج می‌شوند بتوانند از این مراکز استفاده کنند؛ اما حتی به همین حکم ساده هم توجه کافی نشده است.

در ادامه این نشست مریم کوشال‌نوده‌ی، پژوهشگر مطالعات شهری و فرهنگی، به موضوع عاملیت زنان و بازاریابی رابطه آنها با شهر پرداخت و گفت: از منظر سیاست‌های روزمره، همان‌طور که آصف بیات مطرح می‌کند، تغییرات کوچک و کنش‌های روزمره می‌توانند ساختار و سیاست‌های شهری را دگرگون کنند. وقتی زنان حضور پیوسته و آرامش خود را در فضاها تثبیت می‌کنند، مرزهای جنسیتی شهر به‌تدریج جابه‌جا می‌شوند؛ فضایی که پیش‌تر در انحصار مردان بوده، با حضور زنان، محل فعالیت، کسب‌وکار و زندگی روزمره آنان نیز می‌شود. به‌این‌ترتیب، تغییرات بزرگ و انقلابی دیگر ضرورت ندارد؛ فعالیت روزمره زنان خود به‌تدریج تحول‌آفرین است.

او در پایان به مقوله «حق شهر» اشاره کرد و گفت: حق شهر، به معنای مشارکت تمام مردم در رفتارهای روزمره و استفاده از فضاهای شهری است. زنان، با حضور و فعالیت مستمرشان، بخشی از این حق را تحقق می‌بخشند و بازنمایی آن در شهر اهمیت حیاتی دارد. تجربه زیسته، حضور پیوسته و اقدامات کوچک روزمره زنان، نه‌تنها مصرف‌کننده فضا نیست، بلکه تولید و بازتولید فضای شهری را امکان‌پذیر می‌کند و مرزهای جنسیتی را بازتعریف می‌کند. کنشسازان‌نوده‌ی توضیح داد: وقتی درباره شهروندان صحبت می‌کنیم، باید تفاوت بین ساکن و شهروند را مدنظر داشته باشیم. برای مثال، دوستان افغانستانی که در تهران ساکن هستند، گرچه شاید شهروند رسمی نباشند، اما از حقوق مشابهی برای استفاده از فضاهای شهری برخوردارند. این مسئله درمورد زنان نیز صدق می‌کند. آنها علاوه بر حق استفاده از فضا، نقش فعال در تولید و شکل‌دهی فضاها را نیز دارند. وقتی زنان در فضا حضور پیدا می‌کنند و کنش انجام می‌دهند، خود فضا را می‌سازند و بازتولید می‌کنند، حتی اگر گاه نادیده گرفته شوند.

در ادامه این نشست فردین منصوری، مدیر گروه ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی، با اشاره به پروژه‌های مرتبط با امور بانوان و پردیس‌های خانواده، به بررسی خلأها و تغییر دهنده. منصوری، مدیر گروه ارزیابی اثرات اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی سپس

به مفهوم «فضای سوم» اشاره کرد: فضای سوم، نه یک مکان جغرافیایی، بلکه منطق میان‌بودگی است؛ جایی که هویت‌ها و معانی ثابت نیستند و در فرایند چانه‌زنی و مذاکره شکل می‌گیرند. به گفته منصوری، زنان در فضای سوم قدرت بدن و هویت خود را در یک پوستار بویا شکل می‌دهند و با حضور روزمره و معنادار، معادلات قدرت و گفتمان‌های حاکم را به چالش می‌کشند. او تأکید کرد: تنها راه زنان در این سیستم، معنادار نه زندگی روزمره و خلق هویت‌های نوین در لحظه است.

گزارش

ساخت سرویس بهداشتی در تنگه حصارک آب‌شرب شمال تهران در معرض تهدید

در مسیر کوهنوردی کلکچال، پروژه احداث سرویس بهداشتی در کنار و بر روی رودخانه تنگه حصارک، نگرانی‌های جدی درباره سلامت عمومی و محیط زیست ایجاد کرده است. شهروندان، فعالان محیط زیست و کارشناسان منابع می‌تواند منابع آب شرب منطقه را آلوده کند. محمد ملکی، یکی از اهالی منطقه با ثبت شکایت رسمی در سامانه ملی رسیدگی به شکایات سازمان بازرسی کل کشور، نسبت به احداث سرویس بهداشتی در مسیر رودخانه اعتراض کرد. او تأکید دارد با وجود اینکه تمامی ادارات ذی‌ربط با این ساخت مخالفت کرده‌اند، اما شهرداری منطقه یک همچنان در حال ادامه کار است. خطر نشست فاضلاب به مسیر آب شرب، سلامت کوهنوردان و خانواده‌هایی که برای پیک‌نیک به این منطقه می‌آیند را تهدید می‌کند. اداره حفاظت محیط زیست شهرستان شمیرانات، با استناد به بازدید میدانی کارشناسان و بررسی نقشه‌های بستر رودخانه، اعلام کرد که احداث مستحذات در بستر و حريم رودخانه ممنوع است و ادامه پروژه بدون رعایت قوانین، تخلف محسوب می‌شود. این اداره تأکید کرد که اقدام شهرداری می‌تواند به آلودگی منابع آب سطحی و زیرزمینی منتهی شود و سلامت عمومی را تهدید کند. معاونت فنی و عمرانی فرمانداری شمیرانات نیز طی نامه‌ای نوشت: ادامه ساخت‌وساز سرویس بهداشتی در مجاورت رودخانه حصارک مجاز نیست و شهرداری موظف است نسبت به قلع و جمع‌آوری مستحذات اقدام کند. عدم اقدام مسئولیت قانونی متوجه شهرداری خواهد بود. در ادامه، مدیر شبکه بهداشت و درمان شمیرانات نیز در نامه‌ای هشدار داد که احداث سرویس بهداشتی بدون زیرساخت‌های مناسب دفع فاضلاب، می‌تواند موجب انتشار آلودگی و بوی نامطبوع و تهدید سلامت عمومی شود. شهرداری منطقه یک تهران در پاسخ به اعتراض‌ها، مدعی شد که محل احداث سرویس‌ها از نظر زمین‌شناسی مناسب است، فاصله‌ای بیش از ۱۰۰ متر با منابع آب و چشمه‌ها دارد و سپتیک تانک‌های نصب‌شده با دیواره چندلایه و پوشش ضد نفوذ، از نشست فاضلاب جلوگیری می‌کنند. این اقدام با هدف رفع نیاز بهداشتی گردشگران و کوهنوردان و با نظارت کارشناسان فنی اجرا شده است. در مستندات شهرداری آمده است: مکان احداث سرویس‌ها صخره‌ای و نفوذناپذیر است و از بستر فعال رودخانه فاصله دارد. حجم سپتیک تانک‌ها ۱۵ مترمکعب است و طراحی شده تا هیچ‌گونه نفوذ فاضلاب به خاک یا منابع آب ایجاد نشود. محل احداث سرویس در انتهای‌ترین مسیر تردد خودروهای تخلیه پسماند و فضولات قرار دارد و با محیط طبیعی هماهنگ شده است. فاصله سرویس احداث‌شده تا چشمه‌های بالادست موجود بیش از ۱۰۰ متر و تا سایر سرویس‌های موجود بیش از ۴۵ دقیقه پیاده‌روی است. پروژه برای تأمین نیاز بهداشتی گردشگران و خانواده‌ها در مسیر پرتدد کلکچال، به‌ویژه بانوان و کارشناسان محیط زیست و منابع آب هشدار می‌دهند که حتی رعایت استانداردهای فنی، نمی‌تواند خطر باقوه آلودگی آب شرب را به صفر برساند، به‌ویژه وقتی احداث مستحذات در حريم رودخانه انجام می‌شود. بازدیدهای میدانی و گزارش کارشناسی نشان می‌دهد که بستر محل احداث صخره‌ای و نفوذناپذیر است، اما حضور سرویس در مسیر آب شرب همچنان می‌تواند سلامت عمومی را تهدید کند.

منصوری با اشاره به تجربه‌های عملی خود در پروژه‌های شهری، زنان ناماد باید بین حضور، احتیاط، مرئی‌بودن و نامرئی‌بودن، آزادی و کنترل، در یک روند پیوسته مذاکره کنند. او توضیح داد که این هنجارها از سوی سیستم و فرهنگ غالب مردانه تعیین می‌شود و زن‌ها مجبورند همواره در فضای شهری «چانه‌زنی» کنند تا بداندن کجا می‌توانند حضور فعال داشته باشند و کجا باید محدودیت بپذیرند. او نمونه‌ای ملموس از تجربه میدان انقلاب تهران در ساعت‌های شب ارائه کرد و گفت: برای زنان، این فضا یک محیط بی‌دفاع است، درحالی‌که همان میدان برای مردان به فضای قابل دفاع تبدیل می‌شود. این نمونه نشان می‌دهد که بازتولید نابرابری نه‌تنها نمادین است، بلکه در تجربه واقعی و روزمره زنان در شهر نیز ملموس است. منصوری به نقش بدن زنان در فضای شهری اشاره کرد و توضیح داد: بدن زنان، فراتر از کالبد فیزیکی، معنا می‌سازد و حضور آنها در فضاهای شهری پیام‌ها و معانی خاصی تولید می‌کند. اما در عمل، این بدن مدام تحت داورى و ارزیابی قرار دارد، درحالی‌که بدن مردان چنین محدودیتی ندارد. نتیجه این امر، ایجاد «اضطراب فضایی» برای زنان است و حضور آنها در شهر اغلب با احساس محدودیت و ترس همراه است. او همچنین به بازنمایی زنان در شهر اشاره کرد و یادآور شد: بازنمایی صرفا توصیف نیست، بلکه نوعی قدرت‌نمایی است. سازوکارهای تصویری در محیط شهری، نمایش می‌دهند. نمونه‌های آن در تبلیغات تجاری و پوسترها قابل مشاهده است؛ جایی که زنان اغلب به‌عنوان ابژه زیبایی یا مقبل دیده می‌شوند و نه به‌عنوان شهروند فعال و برابر. منصوری افزود که تا زمانی که زنان از ابژگی خارج نشده و به سوژگی فعال دست نیابند، بسیاری از تلاش‌های سیاست‌گذاری و پروژه‌های زنانه نتیجه ملموس نخواهد داشت. او تأکید کرد که سیاست‌گذاری فرهنگی باید به صورت همدغد با مشارکت زنان انجام شود تا زمینه حضور فعال، ایمن و معنادار آنان در فضاهای شهری فراهم شود. به گفته منصوری، حضور زنان در شهر نه تنها محدود به حرکت فیزیکی و استفاده از فضاست، بلکه فرایندی پیوسته از چانه‌زنی با هنجارهای مردانه، بازتولید نابرابری و اضطراب فضایی است. بازنمایی، سیاست‌گذاری و طراحی شهری، می‌توانند این روند را تداوم بخشد یا به نفع رواندسازی زنان تغییر دهند. منصوری، مدیر گروه ارزیابی اثرات اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی سپس

ایجاد پارک بانوان، اگر جدا از بافت اصلی اجتماعی باشد، به جای توانمندسازی، بازتولید نابرابری می‌کند. بسیاری از پروژه‌های معرفی‌شده به عنوان پروژه‌های مکانیک و اجتماعی این نابرابری را تجربه می‌کند، به‌راحتی اتفاق می‌افتد.

